

بیوتروریسم

مقدمه

در بین جنگ‌افزارهای نوین، سلاح‌ها و فن‌آوری میکروبی بیش‌تر از سایرین مورد توجه تشکلهای تروریستی و تروریست دولتی ابرقدرت‌ها قرار گرفته است. شاید بتوان به جرأت گفت که سلاح های هسته‌ای دیگر یک خطر بالفعل نیستند و تنها یک قدرت بازدارنده بالقوه محسوب می‌شوند. کشورهای صاحب این سلاح‌های هرگز نخواهند توانست به راحتی از آن‌ها بر علیه دشمنان خود استفاده نمایند. زیرا تبعات بکارگیری چنین سلاح‌هایی آن‌چنان گسترده است که قسمت بزرگی از جهان را در بر خواهد گرفت. اشعه‌ای رادیواکتیو، گردوغبار اتمی، طوفان اتمی و اشعه‌های یونیزان در قالب مرزهای جغرافیایی نخواهند گنجد و حوزه وسیعی را آلوده خواهند کرد. طبعاً در این موقع کشور بکار برنده این سلاح‌ها باید پاسخ‌گوی کشورهای همسایه نیز باشد. مثلاً اگر هند علیه پاکستان از بمب اتم استفاده نماید، بسته به محل انفجار اتمی، باید پاسخ‌گوی بخش وسیعی از خاورمیانه نیز باشد. لذا شاید همین ملاحظه بود که باعث شد در جنگ جهانی دوم ژاپن برای امتحان بمب های اتمی امریکا انتخاب شود. کشور دور دست در دریا که همسایه ای نزدیک هم ندارد. درحالی‌که به نظر می‌رسد اگر بنا بود جنگ را به نوعی خاتمه دهند، می‌بایست این بمب‌ها بر سر برلین تخلیه می‌شد که مبداء جنگ بود.

از سوی دیگر سلاح‌های شیمیایی نیز چندان گزینه مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی نیستند. مشکلات حمل‌نهاداری و بکارگیری، نیمه عمر کوتاه، خطر نشت، تأثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد. اگرچه در میدان جنگ گزینه موفقی نشان داده است ولی از آن‌جا که از سال ۱۹۳۵ کنوانسیون ممنوعیت بکارگیری آن‌ها در ژنو به امضای اکثر کشورهای جهان رسیده کشورهای متخاصم با احتیاط زیادی اقدام به بکارگیری آن می‌کنند، که البته آن نیز به اشاره ابرقدرت‌ها خواهد بود ولی باز هم از سوی افکار عمومی جهان تحت فشار شدید قرار خواهد گرفت.

از اینرو سلاح‌های میکروبی، چه در عرصه جنگی و چه در عرصه تروریستی، وسیله‌ای بسیار مطلوب برای دشمنان شده است. توان تولید بالا، نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصون سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخاصم، گستردگی عمل کرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیار محسنات دیگر، موجب شده تشکلهای تروریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند بدون آن‌که بتوان گناهی را متوجه آن‌ها نمود.

سلاح‌های میکروبی به خصوص در عرصه تروریسم دولتی و علیه ساختارهای صنعتی - کشاورزی در سالیان اخیر بسیار به کار رفته است. اگرچه کشور هدف هرگز نتوانسته ادعا خود را علیه دشمنش به اثبات برساند. اروپا شیوع جنون گاوی را متوجه سازمان‌های جاسوسی امریکا و استرالیا می‌داند که با هدف ضربه اقتصادی به صادرات گوشت اروپا انجام شده. چین در شیوع سارس امریکا را مقصر می‌داند که باعث شد چین در آستانه شکوفایی اقتصادی، سال‌ها از گردونه رقابت تولید ارزان قیمت - به واسطه تعطیلی کارخانه‌هایش - عقب بیفتد. کره شمالی شیوع وبا در پیونگ یانگ را در اواخر دهه ۸۰ نتیجه فعالیت جاسوس‌های امریکایی می‌داند که با هدف مجبور کردن این کشور به پذیرش شرایط دول اروپایی - امریکایی، برای قطع آزمایشات هسته‌ای انجام شده است. تمامی این اتهامات در حد اتهامی باقی می‌ماند. ولی آن‌چه مسلم است آن است که هر روز بسیاری از مناطق جهان در معرض خطر یک حمله بیوتروریستی هستند. بدیهی است که نیروهای نظامی، تنها جمعیت در معرض خطر برای حملات بیولوژیک نیستند بلکه اقشار مختلف در معرض خطر بوده و به منظور دفاع در م قابل اثرات ناتوان کننده بالقوه یک حمله، نیازمند کسب آگاهی نسبت به اصول اساسی همه گیرشناسی عوامل مورد استفاده در جنگ بیولوژیک می‌باشند. طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در حال حاضر ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید چنین موادی را دارند. تولید مواد بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده، به طوری که به عنوان بمب اتمی فقرا The Poor Man,s Atom Bomb یا PMAB نامیده شده است. تولید، استفاده و انتشار یک سلاح بیولوژیک بسیار ارزان‌تر از بمب اتم بوده و کم‌تر احساسات جهانیان را بر می‌انگیزد. و البته استفاده از این سلاح‌ها تا حدودی برای تروریست‌ها بی‌خطر می‌باشد. معمولاً مشاهده پاتوژن‌ها و مقابله بر علیه آن‌ها مشکل است به عنوان مثال در صورت انتشار عامل اسهال در آب یک منطقه تا دوره کمون سپری شود و علائم بیماری ظاهر شود چند روز طول می‌کشد که فرصت مناسبی برای تروریست‌ها است تا به اهداف

خود برسند . انتقال عوامل هم از کشوری به کشور دیگر به وسیله مسافره‌های معمولی آسان به نظر می رسد به عنوان مثال قرار دادن پودر میکروب سیاه زخم در داخل کپسول به عنوان دارو و حمل آن به مناطق مورد نظر.

این عوامل بیماری زا از راه های مختلفی در جوامع هدف مورد استفاده قرار می گیرند . انتشار عوامل بیماری زا در هوا ، آب ، مواد غذایی ، انواع مواد کنسرو شده ، اسباب بازی ، پاکت نامه ، هدایا پستی، حشرات ناقل، خون و سابقه داشته است. استفاده از عامل بیوتروریسم بر اساس اهداف تروریست‌ها تعیین می‌گردد. در صورتی که تروریسم قصد گسترش وسیع بیماری را داشته باشد از عواملی نظیر آبله انسانی استفاده می‌کند که به راحتی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود و باعث آلودگی وسیع می‌شود و در صورتی که قصد آن مورد هدف قرار دادن شخص خاصی باشد از عواملی نظیر انتراکس (عامل سیاه زخم) استفاده می‌کند.

تعاریف:

برای ترور و تروریسم تعاریف مختلفی ارائه شده که با گذشت زمان توسعه داده شده اند . در ابتدای بحث به چند تعریف و تعاریف مرتبط با آن اشاره می‌گردد .

ترور چیست؟

« ترور » در کلمه به معنی « ترساندن » است و در فرهنگ سیاسی جهان عبارتست از هرگونه اقدام خصمانه و مخفیانه علیه فرد یا افرادی در حوزه‌ای محدود یا گسترده، با اهداف اقتصادی - کشاورزی - صنعتی، با هدف ایجاد ارباب یا باج خواهی.

در فرهنگ سیاسی، ترور از ریشه لاتین terror به معنای ترس و وحشت گرفته شده و به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس، وحشت و استفاده از زور می‌خواهد به هدف سیاسی خود برسد . در زبان فارسی هم ترور به معنای ترس زیاد، بیم و هراس و خوف و وحشت است و تروریست به عامل ترور، طرفدار ترور، آدم کش یا کسی که برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد وحشت و هراس کند، گفته می‌شود.

در لغتنامه روابط بین الملل ذیل کلمه terrorism آمده است: ترور و تروریسم به فعالیت‌های بازیگران دولتی و غیر دولتی اطلاق می‌شود که شیوه و تمهیدات خشن را در اعمال خود برای رسیدن به اهداف سیاسی به کار می‌برند.

بیوتروریسم چیست؟

بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی.

حمله بیوتروریستی چیست؟

عبارت است از پخش کردن ویروس ، باکتری، میکروب یا دیگر عوامل بیماری‌زا و سمی که موجب بروز بیماری و مرگ در میان انسان ها ، حیوانات و گیاهان می‌شود.

کشف و شناسایی یک حمله بیولوژیکی سخت و دشوار به شمار می آید. تاثیرات یک حمله بیولوژیکی به چهار دسته تقسیم می شوند. ۱- فیزیکی: بروز بیماری ۲ - روانی: بروز ترس و وحشت ، ۳- اقتصادی: محدودیت سفر و جابه‌جایی، متوقف شدن فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار ۴- زیست محیطی: آسیب دیدن انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب

بیوتورویسم‌ها چه کسانی هستند؟

معمولاً گروه‌ها و جنبش‌ها سیاسی و فرقه‌های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و بکارگیری سلاح‌های بیولوژیک را دارند. به طور مثال جنبش استقلال طلب قبیله مائومائو در کنیا که از سم برای کشتن ماموران حکومت استعماری بریتانیا استفاده کردند. فرقه مذهبی راجنیشی در سال ۱۹۸۴ با آلوده کردن ظروف سالاد یازده رستوران در آمریکا با باکتری (تایفیموریوم سالامونا) موجب مسمومیت ۷۵۰ نفر شدند. در سال ۱۹۹۳ فرقه مذهبی آئوشینریکوی باسیل سیاه زخم را در ناحیه کامیرو در متروی توکیو منتشر کرد.

جنگ‌های میکروبی (بیولوژیک)

تاریخچه

استفاده کردن از مواد تولید شده توسط جانوران، گیاهان، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها بر علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای هزاران ساله دارد. استفاده از سموم جانوری یا گیاهی برای سمی کردن سر تیرهای جنگی، استفاده از لاشه حیوانات مرده از طاعون برای شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها، مسموم سازی فضای داخلی مقابر فرعون‌ها با هاگ قارچی کشنده و آلوده کردن منابع آبی شهرها از نمونه‌های باستانی بکارگیری سلاح‌های نامتعارف بیولوژیک است. در جهان متمدن نیز این رویه ادامه یافت و البته پیچیده تر شد. آن‌گونه که ساخت و بکارگیری این سلاح‌ها طی کنوانسیون‌های بین‌المللی به شدت ممنوع شد. با این وجود قدرت‌های استکباری همواره در اندیشه ساخت سلاح‌های بیولوژیک و زیستی هستند تا با وارد ساختن کم‌ترین زیان اقتصادی به صنایع و با بیش‌ترین کشتار بتوانند به منابع حریف دست یابند. کشتار فراوان، وحشت‌گسترده، ایجاد هراس در عقب‌جبهه، فلج ساختن خط مقدم، بردن جنگ به داخل خانه‌های مردم غیر نظامی و درگیر نمودن شهرها، عدم امکان اثبات دقیق در بکارگیری آن‌ها و نهایتاً تخریب اندک از محسنات خاص سلاح‌های میکروبی هستند. محسناتی که از نگاه نظریه پردازان جنگی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیستند.

جنگ‌های بیولوژیک را می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱ - دوران اولیه (۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و تا آغاز قرن بیستم)

۲ - دوران نوین

۳ - دوران کنونی

دوران اولیه

اولین اسناد ثبت شده از کاربرد میکرو ارگانیسم‌ها به عنوان یک سلاح بیولوژیکی، به رومیان مربوط می‌شود که از اجساد حیوانات مرده برای آلوده کردن چاه‌ها و منابع آب دشمنان استفاده می‌کردند.

در متون قدیمی آمده است که هانیبال کوزه‌های پر از مار و عقرب را با منجنیق به سوی کشتی دشمنان پرتاب می‌کرد، که با شکسته شدن کوزه‌ها، این جانوران در کشتی پخش و باعث به هم ریختگی اوضاع می‌شدند. پس از آن، طی یک حمله برق‌آسا کشتی تسخیر می‌شد. در کتاب ذخیره خوارزمشاهی که اولین دائرةالمعارف پزشکی به زبان فارسی محسوب می‌شود و توسط دانشمند ایرانی، سیداسماعیل جرجانی در قرن ششم هجری شمسی، تألیف گردیده است آمده است که: "بعضی از ملوک، کنیزکان را به زهر، پپرورند چنان‌که خوردن آن ایشان را عادت شود و زیان ندارد. این از بهر آن کنند تا آن کنیزک را به تحفه (هدیه) یا به حيله دیگر به خصمی که ایشان را بُود برسانند تا به مباشرت آن کنیزک، هلاک شوند ۰۰۰ و این سینا نیز در اوائل هزاره دوم میلادی در دائرةالمعارف "قانون در طب" همین مطلب را بیان نموده، دکنتر الگود در کتاب تلویح پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، سم مزبور را "هند گیاه البیش" نامیده که نوعی سم بیولوژیک به حساب می‌آید. جرجانی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی و خُفِ عَلائِی رهنمودهای جالب توجهی را در رابطه با پیش‌گیری از بیوتورویسم گوارشی که در آن زمان

رایج‌ترین راه ارباب و هلاکت مخفیانه شخصیت‌ها و رقبا بوده است ارائه داده، متذکر می‌شود " کسانی را که از این کار، اندیشه باشد احتیاط آنست که طعامی که طعم آن قوی باشد نخورند مثلاً طعامی که سخت ترش یا سخت شیرین یا سخت تیز (تند) باشد نخورند، از بهر آنکه کسانی که خواهند کسی را چیزهای زیان‌کار دهند، به چنین طعام‌هایی مزه آن بپوشند و لذا آنجا که تهمت این کار باشد هیچ نباید خورد و اگر ضرورت افتاد چنان جای گرسنه و تشنه حاضر نباید شد

مهم‌ترین حادثه‌ای که در تاریخ از این نوع به وقوع پیوست مربوط می‌شود به قوم تاتار که در سال ۱۳۴۶ میلادی در شهر کافا که هم اینک Feodissia نام دارد با پرتاب کردن اجساد مردگان ناشی از طاعون، توانستند مقاومت شهر را از بین ببرند. برخی از مورخان، علت پیدایش اپیدمی مشهور طاعون در اروپا را که حدود ۲۵ تا ۴۰ میلیون کشته به جای گذاشت، همین اقدام قوم تاتار می‌دانند.

در سال ۱۷۱۰ میلادی نیز روس‌ها از همین روش (روش قوم تاتار) در حمله به سوئد استفاده کردند.

در سال ۱۷۶۷ میلادی در مبارزات بین نیروهای فرانسوی و بومیان آمریکا (سرخپوستان) ، نیروهای انگلیسی به فرماندهی جفری امرست با فریب دادن سرخپوستان آمریکایی و تحت پوشش اقدام‌های صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز ، با دست‌ان خود پتو و البسه و سایر ضروریات زندگی را به آن‌ها هدیه دادند ، اما در حقیقت آن پتوها و وسایل از بیمارستانی که از مبتلایان به آبله نگهداری می‌کرد ارسال شده بود ؛ و در نهایت باعث ایجاد اپیدمی آبله در بین سرخپوستان گردید که نسبت به آن حساس بودند و سرانجام بیش از ۹۰ درصد آنها کشته شدند و نیروهای فرانسوی که در حقیقت از طرف اروپا به این جنگ فرستاده شده بودند ، بر سرخپوستان آمریکایی غلبه یافتند . (نکته مهم در این طرح این بود که نیروهای انگلیسی از مصون بودن خود نسبت به این بیماری مهلک (به علت مایه کوبی نیروهای اروپا) و حساس بودن سرخپوستان به آن ، نهایت استفاده را کردند) .

دوران نوین

این دوران از سال ۱۹۱۸ میلادی آغاز می‌شود. از اولین اقدام‌هایی که در دوران نوین کاربرد این سلاح‌ها انجام شد، تشکیل واحد ۷۳۱ در ارتش ژاپن به عنوان متولی امر تحقیق در مورد این سلاح‌ها و یافتن نمونه قدرتمند برای ارتش ژاپن بود. در سال ۱۹۳۱ میلادی ژاپن برنامه‌های بیولوژیکی خود را گسترش بیش‌تری داد. به همین منظور، واحد ۷۳۱ در منچوری یک پایگاه مخفی برای آزمایش مستقیم بر روی انسان (اسیران جنگی) تشکیل داد که فقط برخی از آزمایش‌های بیولوژیکی این گروه یا در واقع جنایت‌های آنها در تاریخ ثبت شده است. حداقل ۱۰۰۰۰ زندانی در نتیجه این آزمایش‌ها جان سپردند.

در شروع جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۱ هواپیماهای ژاپنی، کک‌های آلوده به طاعون را در قسمت‌هایی از چین پراکنده ساختند. هواپیماهای ژاپنی در هر مرحله ۱۵ میلیون کک را بر روی ۱۱ شهر چین اسپری نموده و اپیدمی طاعون بوقوع پیوست که بین سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۴۷ با بیش از ۲۰۰۰ حمله، مرگ ۹۴۰۰۰ نفر بوقوع پیوست.

بر اساس شواهد تاریخی، واحد ۷۳۱ ارتش ژاپن حدود ۴۰۰ کیلوگرم عامل آنتراکس (سیاه‌زخم) را به صورت بمب‌های ویژه آماده استفاده داشت.

دولت آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم و در جنگی کاملاً تبلیغاتی به افشاگری اعمال این گروه و محکوم کردن دولت ژاپن پرداخت ولی در مقابل طی یک محاکمه نمادین، علاوه بر بخشش و عفو دانشمندان این گروه، حاضر به فراهم کردن امنیت آن‌ها شد به این شرط که تمامی اطلاعات و تجربیات به دست آمده توسط این گروه، در خدمت برنامه‌های بیولوژیکی دولت آمریکا قرار گیرد.

دوران کنونی

پس از جنگ جهانی دوم، دنیا و اردو مرحله جدیدی به نام جنگ سرد شد. در این مرحله انگلستان نیز با جدیت سرگرم اجرای پروژه های متعددی در زمینه سلاح های بیولوژیک بود. آن ها به خصوص بر روی اسپورهای آنتراکس (سیاه زخم) و میزان تخریب و گسترش آن به وسیله بمب های انفجاری کار می کردند.

واقعه ای که توجه جهانیان را به این فعالیت ها بیش از پیش جلب نمود، اجرای آزمایش پخش اسپور آنتراکس به وسیله بمب های انفجاری در جزیره غیر مسکونی گرینارد در غرب اسکاتلند بودو تا سال ۲۰۰۰ میلادی در خاک این جزیره اسپورهای آنتراکس پیدا می شد. برنامه های بیولوژیک آمریکا نیز از سال ۱۹۴۱ شتاب گرفت. در سال ۱۹۴۳ در پی برنامه های آلمان ها و ژاپنی ها، سردمداران دولت آمریکا با شدت بیش تری به پیگیری این تحقیقات پرداختند. این کشور برنامه های خود را در کمپ دتريک که امروزه فورت دتريک نامیده می شود، متمرکز کرد. آمریکا آزمایش های مخفیانه ای بر روی مناطق پرجمعیت با عوامل کم خطر یا بی خطر مثل باسیلوس گلوبیجی، سراسیا مارسنس و ذرات خنثی انجام می داد.

یکی از بزرگ ترین آزمایش های مخفیانه ارتش آمریکا، پخش سراسیا مارسنس در شهر سانفرانسیسکو به صورت ۵۰۰۰ ذره در دقیقه بود که در نتیجه آن، یک نفر فوت نمود و ۱۰ نفر دیگر در بیمارستان بستری شدند.

در سال ۱۹۶۶، در ادامه این تحقیقات، در سیستم متروی شهر نیویورک اسپورهای باسیلوس سابیتیلیس پخش شد تا سیستم مترو از نظر امنیت ارزیابی شود. نتایج نشان داد که تمامی تونل های مترو تنها با آلوده کردن یک ایستگاه می تواند آلوده بشود.

در سال ۱۹۷۹، ساکنان شهر سوردلوسک در شوروی سابق، شاهد یک انفجار بزرگ در تاسیسات نظامی شماره ۱۹ ارتش شوروی بودند.

چندین روز بعد در بین مردم این شهر تب و مشکلات تنفسی منتشر گردید تا این که تعداد مرگ و میر افراد به حدود ۴۰ نفر رسید. دولت شوروی علت مرگ ساکنان شهر را مصرف گوشت آلوده گاو اعلام کرد. در نهایت تعداد کل تلفات به یک هزار نفر رسید. در سال ۱۹۹۲ رئیس جمهور وقت روسیه، بوریس یلتسین، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که ارتش سرخ در آن واحد نظامی به صورت مخفیانه یک برنامه گسسته بیولوژیک انجام می داده است.

در بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، کاربرد سلاح های بیوتروریستی به صورت پراکنده بود که از آن ها می توان به استفاده شوروی از سم مهلک تریاکوتسن تی دو (باران زرد) علیه مجاهدین افغانی، استفاده آمریکا از عامل میکروبی تب خوک علیه انقلابیون کوبا، استفاده رژیم اشغالگر قدس از عامل بیولوژیک علیه دختران خردسال فلسطینی در سال ۱۹۸۲ میلادی نام برد.

مهم ترین رویداد بیوتروریسم در هزاره جدید، پخش نامه های حاوی اسپور آنتراکس (عامل مولد سیاه زخم) در آمریکا بود: در روز ۱۸ سپتامبر سال ۲۰۰۱ اولین نمونه آنتراکس پستی به علت نامه پستی حاوی اسپور آنتراکس مشاهده شد که بیمار با مصرف آنتی بیوتیک بهبود یافت. از این زمان تعداد مبتلایان به آنتراکس پستی افزایش یافت تا این که در دوم اکتبر، ۲ مورد آنتراکس تنفسی به عنوان اولین نمونه های آنتراکس تنفسی سال های اخیر آمریکا گزارش شد و در پی آن روبرت استیونس نتوانست در مقابل این بیماری مهلک دوام بیاورد و اولین قربانی بیوتروریسم در هزاره جدید نام گرفت.

از این تاریخ به بعد تعداد نامه های ارسالی آلوده به قسمت های مختلف آمریکا، از جمله به مجلس سنای آن کشور نیز افزایش یافت و تعداد قربانیان نیز رو به افزایش گذاشت. در اواسط ماه اکتبر باز هم ۲ کارمند اداره پست به علت آنتراکس تنفسی جان باختند و تقریباً بسیاری از اداره های فدرال برای مدت نامعلومی تعطیل شدند. وزارت بهداشت آمریکا در اواخر ماه اکتبر شروع به تجویز آنتی بیوتیک سیپروفلوکسوسازین در یک دوره ۱۰ روزه به بیش از ۲۲۰۰ نفر از کارمندان پست کرد و از طرفی در بین ارتش و نیروهای نظامی نیز تجویز واکسن آغاز شد.

این وحشت و فاجعه در بین کارکنان اداره پست و سایر شهروندان عادی به حدی بالا گرفت که شرکت سازنده داروی سیپروفلوکسوسولاسین حاضر شد ۱۰۰ میلیون قرص را تقریباً به نصف قیمت اولیه در اختیار دولت قرار دهد؛ یعنی چیزی معادل ۱۰۰ میلیون دلار تنها برای پیش‌گیری دارویی در مقابل این حمله بیوتروریستی!

پس از پیش آمدن این برنامه طراحی شده، دولت نومحافظه کاران با بهانه قرار دادن این اتفاق سیلی از بودجه‌های دولتی را برای مقابله با تهدیدات بیولوژیک گروه‌های تروریستی همچون القاعده به مراکز تحقیقاتی مختلف ارائه داد تا به ظاهر راه‌کارهایی برای مقابله با این حملات فراهم کنند. برای برخورداری از این سیل پولی، بسیاری از سازمان‌هایی که بر روی بیماری‌های واگیردار و عفونی کار می‌کردند کار خود را به نوعی با بیوتروریسم ارتباط داده و دست به انجام تحقیقات و آزمایش‌های گسترده‌ای زدند که یقیناً در آینده‌ای نه چندان دور نتایج آن همچون نتایج پژوهش‌های دهه‌های قبل بر همگان ظاهر خواهد شد.

در سیستم درجه بندی امنیت بیولوژیک آمریکا درجه ۴ به خطرناک‌ترین آزمایش‌ها و آزمایشگاه‌ها داده می‌شود. پیش از یازده سپتامبر تنها پنج آزمایشگاه وجود داشت که در بالاترین درجه امنیت بیولوژیک، یعنی درجه ۴، قرار داشتند و به طور فعال در زمینه مطالعه عوامل بیولوژیک مرگ‌زا کار می‌کردند. در حالی که در سال ۲۰۰۹ این تعداد به پانزده مورد رسید و روند افزایشی همچنان ادامه داشته و تعدادی نیز در حال ساخت هستند.

در مجموع هم اکنون بیش از ۴۰۰ مرکز تحقیقاتی در درجات امنیت بیولوژیک ۳ و ۴ در آمریکا فعال هستند که توانایی تولید عواملی همچون بکتتری سیاه زخم و فراورده‌های آن را دارند و بیش از چهارده هزار نفر بر روی تولید چنین عوامل خطرناکی کار می‌کنند که اکثر آنها مربوط به بخش غیر دولتی بوده و برای کسب بودجه مجبورند پروژه‌های مد نظر سیاستمداران را هرچه که باشد بپذیرند.

ویژگی‌های عوامل میکروبی

۱ - توانایی ایجاد تلفات زیاد؛ در بین انواع سلاح‌های نوین، میکروب‌ها و فراورده‌های میکروبی رقمی بهت آور از مرگ و میر را در پی خواهند داشت. مثلاً ۱۵ گرم از سم تولید شده توسط باکتری کلسترییدیوم بوتولینوم می‌تواند تمام مردم جهان را به کام مرگ بکشد! یا به‌طور مثال اگر در شهری ۱۲ میلیون نفری یک موشک اسکاد با کلاهک محتوی ۳۰۰ کیلوگرم گاز اعصاب سارین منفجر شود بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار نفر را خواهد کشت. اگر همین کلاهک حاوی یک بمب ۱۲ کیلوتنی هسته‌ای باشد ۲۳ تا ۸۰ هزار نفر را از بین می‌برد. اما اگر چنین کلاهکی با تنها ۱۰۰ کیلو اسپور سیاه زخم بار شود بسته به شرایط جوی بین ۴۲ هزار نفر تا ۳ میلیون نفر را خواهد کشت.

۲- توانایی در ایجاد بیماری و عوارض طولانی مدت و نیاز به مراقبت‌های گسترده

۳- توانایی برخی عوامل در انتشار از طریق ناقل یا فرد آلوده؛ این امر باعث می‌شود تا آلودگی از فردی به فرد دیگر منتقل شود و همین امر کمک می‌کند تا با حجم اندکی از میکروب بتوان شهری را از پای درآورد.

۴- عدم وجود فن آوری کافی و سیستم‌های شناسایی کارآمد؛ تقریباً اکثر کشورهای جهان که مورد این تهدیدات هستند از فن آوری نوین تشخیص بی‌بهره‌اند. گذشته از سطح پایین علمی این کشورها، عدم فروش تجهیزات پیش‌رفته از سوی کشورهای توسعه یافته باعث شده تشخیص سریع یک حمله بیوتروریستی با تأخیر صورت پذیرد.

۵ - کاهش نقش خودامدادی و دگر امدادی و افزایش حس ناامیدی در مردم.

۶- وجود یک دوره نهفته بیماری که باعث می شود درمان و پیش گیری از انتقال بیماری با تأخیر انجام شود؛ معمولاً در خوش بینانه ترین حالت، وقتی کادر دفاعی از بروز یک تهاجم میکروبی آگاه می شوند که یک اپیدمی رخ داده است. طبعاً در این حالت کمک رسانی و مهار بیماری بسیار دشوار و با بروز استرس های اجتماعی همراه است.

۷- توانایی در ایجاد علائم عمومی و غیر اختصاصی و اصولاً مشکل بودن تشخیص؛ تقریباً تمام بیماری های عفونی در شروع علائم بالینی یکسانی نشان می دهند. مثلاً سیاه زخم در آغاز علائمی همچون یک زکام عادی را بروز می دهد. بعد از یک دوره یکی دو روزه که فرد حساس بهبودی می کند، ناگهان با شتابی فراوان تمام بدن را دربر می گیرد و فرد را می کشد. در این جا مهارت کادر درمانی در تشخیص افتراقی بیماری ها بسیار تعیین کننده خواهد بود.

۸- امکان تولید میکروب های نوپدید یا انتشار عوامل بازپدید؛ میکروب های نوپدید به میکروارگانیسم هایی گفته می شود که در آزمایشگاه های بیوتکنولوژیک، از تغییر گونه های وحشی به دست می آیند. با کمک مهندسی ژنتیک می توان باکتری یا ویروسی را تولید نمود که در حکم یک گونه یا زیرگونه جدید باشد. ایدز، سارس، ابولا و.. از این دسته اند. اما میکروب ها بازپدیخ به آن گروهی گفته می شود که ریشه کن شده یا تقریباً بطور کامل مهار شده اند ولی توسط گروه هایی که به بانک های میکروبی جهان دسترسی دارند، دوباره منتشر می شوند. مثلاً آبله در جهان ریشه کن شده. با این وجود چند کشور از جمله ایالات متحده هنوز مقداری از این ویروس را در بانک میکروبی خود نگهداری می کند. نشت یا انتشار عمدی آن در جهانی که نزدیک به ۴۰ سال است واکسن آبله را دریافت نکرده فاجعه بار خواهد بود.

۹- موجب تخریب صنایع و تجهیزات نمی شوند.

پیچیدگی های برخورد با عوامل میکروبی

۱- مقادیر اولیه عامل اندک است و در نتیجه در لحظات اولیه هجوم قابل ردیابی نیست. اما در مدت کوتاهی - اگر میکروب زنده باشد - تکثیر می شود و حوزه گسترده ای را خواهد پوشاند.

۲- آثارشان دیر ظاهر می شود. معمولاً بیماری یک دوره نهفته دارد که از لحظه آلوده شدن تا بروز علائم را شامل می گردد. همین زمان، تشخیص را به تأخیر انداخته و در عین حال باعث انتشار بیماری خواهد شد. طبعاً هر چه زمان کمون (زمان نهفتگی) بیماری بیشتر باشد، خطر بروز همه گیری بیشتر خواهد بود.

۳- مهار آن مشکل است. افراد آلوده به صورت بیمار یا ناقل بدون آن که بتوان ایشان را تحت کنترل قرار داد در منطقه جابه جا می شوند و یا به عقب خط باز می گردند. با این کار باعث گسترش شدید عامل می شوند.

۴- عموماً قابل انتقال و سرایت از یک فرد به فرد دیگر هستند.

۵- غیر قابل تشخیص با حواس پنجگانه هستند. یعنی رنگ و بو ندارند.

راه های انتشار عوامل بیولوژیک در یک حمله تروریستی

این عوامل از طریق جنگ افزارهای گوناگون منتشر می شوند. از جمله بسته های مراسلاتی، هواپیماهای سبک سمپاش یا بدون سرنشین مخزن دار، اشیا و وسایل مصرفی - بهداشتی و آرایشی، آفات نباتی، حشرات و جوندگان ناقل و تنقلات مانند شکلات ها.

اصولاً جاسوسان و عوامل خود فروخته داخلی می توانند با هر وسیله ای به انتشار میکروب‌ها یا فرآورده‌های کشنده آن‌ها مبادرت نمایند. از این بین مراسلات پستی، لوازم آرایشی، البسه‌های دست دوم، بسته بندی‌های صادراتی، سیگار و تنقلات گزینه‌های مورد توجه هستند. می‌توان حجم معینی از اسپور باکتری‌ای مانند باسیلوس آنتراسیس را در پاکت نامه‌ای ریخت و به مقصد هدف پست کرد. در ترکیب مواد سازنده شکلات‌ها و تنقلات مواد مضر با تأثیر دراز مدت را قرار داد یا به همراه علوفه دامی، حشرات ناقل بیماری‌های دام و طیور را به کشوری فرستاد تا صنایع آن کشور را فلج نمایند.

نشانه‌های یک تهاجم بیولوژیک

گفته شده که امکان تشخیص سریع عوامل میکروبی بسیار محدود و در صورت وجود نیز کار با آن‌ها بسیار پیچیده و دقیق است. لذا مشاهدات کادر پزشکی و نیروهای بهداشتی - درمانی بسیار کمک کننده خواهد بود. نشانه‌های زیر می‌تواند دلیل بر یک تهاجم بیوتورویستی باشد:

- ۱ - ازدیاد حشرات بطور غیر عادی در منطقه. به خصوص حشراتی که قبلاً در منطقه دیده نشده‌اند.

- ۲ - وجود اجساد حیوانات مرده به صورت غیر عادی در منطقه. یا حیوانات غیر بومی مرده و زنده در اطراف مراکز مسکونی و پادگانی.

- ۳ - احساس تغییر طعم و مزه آب و مواد غذایی.

- ۴ - خشک شدن ناگهانی گیاهان.

- ۵ - مردن احشام و دام‌ها در منطقه.

- ۶ - بیمار شدن ناگهانی افراد.

- ۷ - مشاهده افراد مبتلا به بیماری با علائم مشترک و به تعداد زیاد.

مدیریت بحران و اصول مبارزه با بیوتورویسم

مدیران نظامی و انتظامی کشور بایستی در قبال تهدیدات بیوتورویستی به چهار پرسش اصلی پاسخ دهند: چه کسی، چه وقت، چطور و کجا اقدام به چنین حمله‌ای می‌کند. دانستن پاسخ این چهار پرسش کادر دفاعی را پیشاپیش در برابر تهدیدات آماده می‌سازد و کمک می‌کند تا منافذ نفوذ بسته شوند. در اینجا اصول پنجگانه‌ای را می‌توان برای چنین مبارزه‌ای تعریف نمود:

- ۱ - آگاهی: دانش و آگاهی از روند پدیده بیوتورویسم، شناخت تهدیدات، منافذ خطر و کلاً یافتن پاسخ چهار سؤال کلیدی فوق گام نخست چنین مبارزه‌ای است.

- ۲ - آمادگی: رسیدن به سطح مطلوبی از توانایی دفاعی با تمرینات و رزمایش‌ها، دست‌یابی به علوم جدید، دست‌یابی به فن‌آوری نوین تشخیص و دفاع و درمان، تهیه لوازم و ملزومات چنین جنگ مخفی و ساکتی، دومین گام مبارزه و دفاع خواهد بود.

- ۳ - مهارت: اعتماد به نفس، غلبه بر ترس و مهارت در هدایت بحران به سمت عادی سازی شرایط، سومین و مهم ترین گام چنین مبارزه‌ای است.

۴- شک: متولیان دفاعی کشوری که همواره در پنهان و آشکار مورد تهدیدات اجانب است، بایستی به هر پدیده‌ای حتی پدیده‌ای که در نگاه اول طبیعی جلوه می‌کند با نگاه شک بنگرند. چنین نگاه شک آلودی باعث می‌شود بسیاری از منافذ ورود دشمن باز شناخته شود و اصول ایمنی هرچه بیش‌تر رعایت گردد. دیگر نباید از کنار هر اپیدمی کوچک و بزرگی به سهولت گذشت.

۵- کتمان و رازداری: وقتی نخستین هدف دشمن از حمله تروریستی ایجاد ترس در مردم عادی است، مهم‌ترین عمل کادر دفاعی آن خواهد بود که از انتشار خبر حمله و شایعه‌سازی در پیرامون آن خودداری نمایند. به‌خصوص کادر درمانی که با مصدومین چنین حمله‌ای روبرو هستند. از انتشار خبر حمله، بیان تعداد مصدومین، نوع بیماری، بزرگ‌نمایی واقعه نزد مردم عادی و بیان تشخیص‌ها و علائم بالینی و درمان‌ها در جرایم (در بیش‌تر موارد دشمن از طریق جرایم نتایج حمله خود را ارزیابی می‌کند. به‌خصوص که خواسته باشد سلاحی جدید را بر مردم بیازماید) جداً باید پرهیز نمود.

بیوتروریسم با اهداف اقتصادی :

در این نوع از بیوتروریسم هدف نابود کردن پایه‌های اقتصادی کشور یا منطقه‌ای می‌باشد. در بعضی از کشورهای در حال توسعه که غذای اصلی مردم را محصولات کشاورزی نظیر برنج تشکیل می‌دهد ممکن است با ایده‌های تروریستی، به آسیب بیولوژیک غلات و از بین بردن آن‌ها پردازند و مسبب قحطی، سوء تغذیه، کاهش ایمنی و عفونت‌های مکرر گردند. در کشوری مانند ایران مزارع گندم و برنج به عنوان اساس تغذیه مردم می‌تواند مورد حملات بیوتروریستی قرار گیرد. بیماری تب برفکی در جمعیت حساس کشوری که این بیماری را ندارد سبب ضربه سنگین اقتصادی می‌شود چنان که در سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۷ انگلستان مورد حمله قرار گرفت و میلیاردها دلار خسارت مالی دید. در این سال‌ها انگلستان برای جلوگیری از انتشار بیماری مجبور شد بیش از یک میلیون راس گاو را معدوم نماید

سرویس‌های اطلاعاتی غرب، متهم اصلی بیوتروریسم:

علی‌رغم این که کشورهای غربی به ویژه آمریکا از هر استدلالی برای اتهام زنی به گروه‌های باصطلاح تندرو استفاده می‌کنند، اما یکی از جالب‌ترین نکات این است که بزرگ‌ترین استفاده‌کنندگان از مواد شیمیایی میکروارگانیزم‌ها و تروریسم بیولوژیکی علیه جان انسان‌ها، سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند غربی و رژیم صهیونیستی هستند که از این راه برای حذف بی‌سر و صدا و بدون ردپای رقبا و مخالفانشان بهره می‌برند.

مرگ مرموز مامور سابق ک.گ.ب. در لندن:

مرگ الکساندر لیتویننکو (Alexander Litvinenko) جاسوس سابق اداره امنیت فدرال روسیه در انگلیس در سال ۲۰۰۷، یکی از پر سر و صداترین جریان‌های خبری به شمار می‌رود. الکساندر والتروویچ لیتویننکو جاسوس سابق اداره امنیت روسیه بود که پس از ۲۳ روز جدال با مسمومیتی که ناشی از «پلوتونیوم ۲۱۰» گزارش شد در گذشت. از آن‌جا که لیتویننکو جاسوس سابق روسیه، از منتقدان صریح دولت روسیه بود، رسانه‌های غربی انگشت اتهام را به سوی مقامات روسی نشانه گرفتند گرچه دولت روسیه هیچ‌گاه این موضوع را نپذیرفت و به شدت آن را رد کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، تیم پزشکی الکساندر در توجیه علت وخامت اوضاع جسمانی وی اعلام کردند که لیتویننکو ۴۳ ساله با حمله قلبی روبرو شد و پلیس لندن نیز اعلام کرد علت مرگ لیتویننکو نامعلوم است. بر اساس این گزارش این جاسوس سابق شوروی اعلام کرده بود که در تاریخ اول نوامبر حین انجام تحقیقات در خصوص مرگ 'آنا پولیتکوفسکایا' روزنامه نگار فقید روس و از دیگر منتقدان کرملین مسموم شده بود. به گفته وی پس از این اتفاق، موهای سر و بدنش به تدریج شروع به ریختن کرد، گلویش متورم و سیستم اعصاب و روانش به شدت آسیب دید. وی هم چنین در گفت و گو با مجله تایمز گفت که کرملین مستقیماً در مسمومیتش دست داشته است. پس از این حادثه سرویس اطلاعات خارجی روسیه (SVR) طی بیانیه‌ای هر گونه دست داشتن در مرگ مخالفانش را رد کرد.

شکست های پی در پی سی. آی. ای. در ترور کاسترو:

کوبا یکی از کشورهای قاره آمریکاست که به علت نوع دیدگاه سیاسی و نزدیکی جغرافیایی با آمریکا و به ویژه روابط نزدیک با شوروی در دوران جنگ سرد، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. ایالات متحده آمریکا نیز تمام تلاش خود را برای ساقط کردن دولت مستقل این کشور و ترور یا سرنگونی رهبران ضدآمریکایی کوبا به کار برد تا جایی که این تقابل و ایستادگی در برابر زور گویی های آمریکا در دهه ۱۹۶۰ میلادی، جهان را تا مرز یک جنگ هسته ای و تقابل دو قطب شرق و غرب یعنی آمریکا و شوروی پیش برد. یکی از عمده ترین دلایل تقابل دو کشور کوبا و آمریکا را باید در روی کرد منحصر به فرد و استعمارستیز 'فیدل کاسترو' بنیان گذار انقلاب کوبا جست وجو کرد. فیدل کاسترو متولد سال ۱۹۲۶ میلادی است و در سال ۲۰۰۸ رسماً خود را بازنشسته کرد و از نظر طول مدت زمامداری دارای جایگاه سوم در بین رهبران و مقامات کشورهای جهان است. مدتی قبل اخباری جالب منتشر شد که در آن عنوان شد: فیدل کاسترو تاکنون ۶۳۸ بار مورد حمله تروریستی قرار گرفته و از آن جان سالم به در برده است که البته عمده آن‌ها به وسیله سرویس اطلاعاتی آمریکا برنامه ریزی شد. در میان روش‌های اتخاذ شده برای ترور کاسترو؛ سمی کردن سیگار، اعطای سیگار و هدایای قابل انفجار، آلوده کردن لباس‌های شنا و جاسازی مواد منفجره در کفش، و توپ بیس بال و انداختن قرص بوتولینوم در نوشیدنی وی... دیده می شود. روبرتز نوشت؛ حتی در یکی از این اقدامات تروریستی تلاش شد تا با استفاده از یک پودر سمی، ریش‌های بلند کاسترو را آلوده کنند تا با ریزش ریش‌های وی از محبوبیت کاسترو در کوبا و دیگر کشورهای جهان کاسته شود.

سپت خبری رسمی کوبا 'آنسا' نیز گزارش داد که رهبر انقلابی ۸۵ ساله کوبا در زندگی سیاسی خود یعنی از سال ۱۹۵۹ تا سال ۲۰۰۶ در مجموع از ۶۳۸ سوءقصد جان سالم به در برده است و به نقل از روزنامه دیلی تلگراف، بخشی از این اقدامات تروریستی در قالب یک سریال ۸ قسمتی با عنوان 'او که باید زنگی کند -He Who Must Live-' ساخته شده است.

موساد، ترورهای بیولوژیک و مرگ‌های آرام رهبران فلسطینی:

منابع خبری اعتقاد دارند که استفاده از سموم مرگ آور و خطرناک که با تاثیر منفی بر روی ارگان‌های مختلف بدن که مرگی تدریجی و بی سر و صدا را به همراه دارد، در موساد و شبکه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی رواج دارد. مرگ مشکوک 'ودیع حداد' بنیان گذار جنبش ملی گرایان عرب و از مهم ترین مبارزان فلسطینی در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی، 'خالد مشعل' از فرماندهان حماس و رییس دفتر سیاسی این حزب که ناکام ماند و 'محمود المبحوح' از رهبران حماس از جمله افرادی هستند که گفته می شود همگی قربانی ترورهای خاموش سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی شده‌اند. یاسر عرفات، رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین نیز از جمله کسانی است که گمان می رود موساد در ماجرای مرگ وی نقش داشته است.

بیوتروریسم ابزار چه گروهی است:

حال با تمام این توضیحات، این پرسش پیش می آید که کدام یک متهم ترند؟ گروه‌های تروریستی که به فرض درست بودن ادعاها در گذشته تنها قادر شدند در سراسر جهان با روش‌های بیولوژیکی کم تر از ۵۰ نفر را قربانی خواسته‌های غیرمشروع خود کنند، یا سازمان‌های تروریستی وابسته به قدرت‌ها که به راحتی افراد مخالف خود را حذف می کنند و با استفاده از سکوت رسانه‌ای بر اطلاعات مربوط به مرگ انسان‌های بی گناه و مقامات سرپوش گذاشته و به اقدامات خود ادامه می دهند؟!